

زندانیان سیاسی زن در خطر اعدام

اندکی پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ آغاز شد و در پائیز سال گذشته به اوج خود رسید هزاران زندانی سیاسی توسط رژیم خونخوار خمینی به خاک افکنده شدند. تمرکز اصلی این قتل‌ها در بندهای مردان زندانی بوده است. اکنون تبهکاران رژیم آخوندی کشتار همگانی و وسیع زنان زندانی را تدارک می‌بینند. کشتار زنان در کشتار همگانی زندانیان سیاسی که از

خبرهای دریافتی درباره خطری که جان زندانیان سیاسی زن را در ایران تهدید می‌کند، بشدت نگران کننده است. بر اساس این خبرها در بند زنان زندان اوین به زندانیان سیاسی گفته شده است یا باید توبه‌نامه بنویسند و از گذشته خود آشکارا اظهار پشیمانی کنند و یا "به زیر خاک خواهند رفت". در کشتار همگانی زندانیان سیاسی که از

اکتبر

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکتبر) در خارج از کشور

دوشنبه اول خرداد ۱۳۶۸ برابر با ۲۲ مه ۱۹۸۹
بهاه ۶ ریال سال ششم شماره ۲۵۸

جمهوری اسلامی متزلزل و بی آینده

برزمینه بحران عمومی حاکم بر جامعه، بحران سیاسی حادی گریبان رژیم خمینی را فرا گرفته است. این بحران که در شرایط کنونی خود را به شکل تشدید جنگ قدرت و تزلزل و بی‌آیندگی نظام نشان می‌دهد حکومتیان را واداشته است تا هر چه سریعتر و در شرایط حیات خمینی به زهم خود این مشکل را حل کنند. در همین راستا خمینی "شورای بازنگری قانون اساسی" را مرکب از ۲۵ نفر تعیین کرد و وظایف هشت‌گانه‌ای را برای آن مقرر کرد. مهمترین وظیفه این شورا تغییر قانون اساسی در زمینه تعیین "رهبری" و تمرکز قدرت در قوه مجریه است.

از جریان کار شورای مزبور و تصمیمات آن اطلاعاتی منتشر شده است که توجه به آنها روشنگر برخی زوایای موضع‌گیری‌های حکومتیان است.

خامنه‌ای، رئیس جمهور حکومت خمینی در خطبه‌های نماز جمعه ۲۹ اردیبهشت اعلام کرد بقیه در صفحه ۳

موج جدید حمله به منتظری و اطرافیان

در همین رابطه آخوند کروی نایب رئیس مجلس از مهره‌های پرنفوذ و هم جناح با سید احمد خمینی اعلام کرد که پاسخ‌های خشن منتظری به خمینی جمع‌آوری شده و بزودی منتشر خواهد شد. وی گفت هر کس که جواب‌های خشن منتظری به نامه‌های خمینی را مطالعه کند به گریه خواهد افتاد.

همچنین در جلسه ۱۰ اردیبهشت مجلس خمینی، مجید انصاری نماینده زرد طلی سخنانی ضمن تمجید از سید احمد خمینی بخاطر اقدام به صدور "رنجامه" گفته است که خون دلی که خمینی در چند ساله اخیر از منتظری خورده بیش از خون دلی بوده است که در طول مدت پیش و پس از انقلاب خورده است. وی در همین سخنان هادی هاشمی را همانند مهدی هاشمی خبیث و تبهکار و کثیف خواند، که این در عرف جمهوری اسلامی به معنای تصمیم رژیم به اعدام هادی هاشمی داماد منتظری است.

در بیانیه‌ای که انجمن اسلامی دانشجویان بقیه در صفحه ۲

از یکی دو هفته پیش موج جدیدی از حملات به منتظری آغاز شده است. این حملات که توسط نیروها و جناح "حزب‌اللهی افراطی" درون حکومت صورت گرفته است، بخاطر بهت و حیرت امت حزب‌الله از برکناری منتظری و نپذیرفتن آن، تشدید بحران و جنگ قدرت در حکومت در آستانه انجام تغییرات در قانون اساسی و ساکت نشستن و ابراز نظرات منتظری (هر چند در دایره‌ای محدود) صورت گرفته است.

روز سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت روزنامه اطلاعات اقدام به چاپ نامه‌ای از سید احمد خمینی کرد. در این نامه سید احمد ابراز داشته است که اعضای دفتر منتظری با گروه‌های اپوزیسیون در تماس بوده‌اند و در این رابطه از داماد و رئیس دفتر وی، هادی هاشمی نام برده شده است. هادی هاشمی برادر مهدی هاشمی است که در زندان جمهوری اسلامی اعدام شد. در نامه سید احمد ذکر شده است که "امام پس از کنار گذاشتن شما چند بار گریه کرده است."



یگانگی مجدد

سفر میخائیل گارباچف به جمهوری خلق چین بی‌تردید از مهم‌ترین رویدادهای جهانی در سال‌های اخیر است. این سفر همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، آغاز تسریع روند هادی‌سازی روابط میان دو کشور بزرگ سوسیالیستی است. هادی‌سازی روابط میان اتحاد شوروی و چین اهمیتی جهانی دارد. تنها نگاهی به سیمای جهان در بقیه در صفحه ۹

در این شماره

- ♦ دامنه جنایات رژیم
فرا تر از زندان‌هاست
در صفحه ۵
- ♦ اعلام وضع فوق‌العاده در یکن
در صفحه ۸
- ♦ ادامه سیاست نظامی‌گرایی دولت آمریکا
در صفحه ۱۲
- ♦ جنگ تبلیغاتی جمهوری اسلامی و عربستان سعودی
در صفحه ۱۲
- ♦ موسیقی ایرانی، در انتظار تحولی تازه
در صفحه ۶

موج جدید حمله به منتظری واطرافیانش

بقیه از صفحه اول

دانشگاه تهران، همان ایادی و سرکوبگران رژیم در دانشگاه که در سخنرانی‌های خود همیشه از "امیدامت و امام" نقل قول می‌کردند - انتشار دادند، پرونده بلندبالایی برای منتظری ساخته شده و در پایان خواسته شده است که تکلیف امت حزب الله را با منتظری روشن کنند. در بیانیه انجمن اسلامی دانشجویان که معمولاً به دلیل "سرباز گمنام" بودن بسیاری از رهبران آن (در رژیم خمینی شکنجه‌گران و ماموران امنیتی، سرباز گمنام خوانده می‌شوند)، جناحی از رهبران طراز اول حکومتی، سخنان خود را اول بار از طریق آنان صریحاً طرح می‌کنند، آمده است: ".... آنچه نمی‌بایست روی دهدرح داد و شخص آیت الله را به یک فرد بدبین نسبت به سیر انقلاب، مظنون به اکثر مسئولان رده اول و دوم کشور، منعی نگر نسبت به تداوم جنگ تا پیروزی، مخالف با بسیاری از نهادهای انقلابی از جمله سپاه و دادگاه‌های انقلاب و زندان‌ها و... نشان داد و بیت ایشان را به صورت یک ماوا و مامن جهت تجمع نیروهای مساله دار و گاه حتی مخالف نظام و انقلاب کرد و از همین بیت بود که بسیاری اطلاعات محرمانه نظام و مکتوبات خصوصی مابین امام و ایشان به بیرون درز کرد و بعضاً در روزنامه‌ها و مجلات خارجی و نشریات ضد انقلابی چاپ شد،... نبود بیرونی و خارجی این مسائل که در چند سال اول محدود به جلسات خصوصی و نامه‌های محرمانه بود، مخصوصاً در یک ساله اخیر جنبه هلمی به خود گرفت و دامنه این مسائل علاوه بر نامه‌های محرمانه، جلسات خصوصی و نیمه خصوصی به سخنرانی‌ها و مکتوبات هلمی کشیده شد، چند نامه به محضر امام امت، نامه شدیدالحنی به نخست وزیر، نامه‌ای تند به مراجع قضایی، سخنرانی در جمع خانواده شهدای هفت تیر، سخنرانی نیمه شعبان، برخورد با مسئولان رده اول و دوم نظام در جلسات متعدد، از نمودهای مخفی و نیمه مخفی این سیر هستند."

در پایان بیانیه تاکید شده

است:

"... پاسخ اخیر آیت الله منتظری به نامه چند تن از بزرگواران روحانی، نمایانگر این مطلب است که ایشان هنوز هم بر بسیاری از باورها و برداشت‌های خود هستند. حل این مشکل جز از طریق تدبیر امام امت و روشن نمودن امت حزب الله ممکن و میسر نیست." در پایان بیانیه از "سربازان گمنام اسلام و امام" یعنی ماموران امنیتی و شکنجه‌گران رژیم خواسته شده است: "در جهت مقابله با تجاوزهای نظامی، سیاسی، فرهنگی و اطلاعاتی دشمنان اسلام و انقلاب با تمام توان بکوشند و بر حذف هر گونه جریان‌های سازشکار و رفاه طلب و قرب زده تاکید و رزند."

مجموعه حملات جدید به آیت الله منتظری که همواره فشاری هماهنگ از طرف جناح واحدی در حکومت را شامل است نشانگر این امر است که انجام اقداماتی درباره وی را در مد نظر دارند و این امر حتی می‌تواند اشکال معمول در جمهوری اسلامی در برخورد با مخالفین سیاسی و پرونده سازی‌های رسمی مقامات قضایی علیه وی را شامل شود. هم اکنون منتظری در خانه خود در قم تحت نظر است و رفت و آمد به "بیت" او با محدودیت و زیر نظر پاسداران صورت می‌گیرد. حملات هماهنگ جدید به "فقیه هالیقدر" سابق نشانگر این امر است که خمینی و ایادی اش نتوانسته‌اند امر حذف منتظری را برای امت حزب الله توجیه کنند. حزب الله "همیشه در صحنه" که هنوز از کیچی ضربه نخست که پس از ۸ سال بیرون کشیدن مداوم نعره "جنگ، جنگ تا پیروزی" از حلقومش او را با ضرورت پذیرش قطعنامه صلح مواجه کردند، به در نیامده بود، با ضربه جدی دیگری مواجه شد. "امیدامت و امام" و "جانشین ولایت فقیه" و "فقیه هالیتدر" با حفت و تحقیر به زیر کشیده شد. شواهد نشان می‌دهد که باحد "انتشاری‌های" پیشین، و "پرده‌ری‌های" تاکنون انجام

یافته، "امت حزب الله" به هیچ وجه قانع نشده است و بر زمینه بحران عمومی و حاد رژیم بیم از آینده و بی‌اعتمادی به رهبران حکومت در میان نهادها و پایه‌های رژیم بشدت افزایش یافته است. در همین رابطه خمینی و بنیادگرایان افراطی در حکومت شروع اقدامات و حملات جدید علیه منتظری را ضرور یافته‌اند. تاکید سید احمد خمینی بر ارتباط هناسری از دفتر منتظری با گروه‌های اپوزیسیون، نام بردن انصاری از هادی هاشمی، داماد منتظری به عنوان فردی "خبیث و تبهکار" و تقاضای انجمن اسلامی دانشجویان از "امام امت" برای تعیین تکلیف منتظری و برخورد قاطع "سربازان گمنام" همه، نشان از پرواز تیغ ولایت فقیه بر فراز بیت منتظری دارد. در اتخاذ تصمیم برخورد "قاطع‌تر" با منتظری و اطرافیان وی تن ندادن او به سکوت کامل نیز نقش داشته است. نامه‌های اخیر منتظری به - آنچنانکه بیانیه انجمن دانشجویان دانشگاه تهران قید کرده است -

"چند تن از بزرگواران روحانی"، از موارد مهم پرونده وی را تشکیل می‌دهد. اما نکته‌ای که باید مورد توجه

قرار گیرد شرایطی است که اقدامات بر سر آمده در آن انجام یافته است. جنگ قدرت در حکومت به مراحل حساس و تعیین کننده خود نزدیک می‌شود. بحران سیاسی رژیم حدت بی سابقه‌ای یافته است. هر یک از جناحین دهوای قدرت می‌کوشد بوسیله شیوه‌های مرسوم در حکومت آخوندها، تغییرات در شرف انجام در قانون اساسی را در جهت منافع خود سمت دهد. هاشمی رفسنجانی هر صه فتوای تروریستی برای کشتار اتباع کشورهای حامی اسرائیل و گرفتن پز دروهین ضد صهیونیستی را انتخاب کرده است و سید احمد خمینی و دیگران موضوع حمله به منتظری و ایجاد چار و جنجال و جو حول این مساله را برای طرح و تئویت مواضع خود برگزیده‌اند. در تشریح وضعیت کنونی جمهوری اسلامی، آنچه را که می‌توان نمایانگر و تجسم واقعیت دانست سخنان سید احمد خمینی است که خطاب به منتظری نوشته است "امام پس از کنار گذاشتن شما چند بار گریه کرده است" با این توضیح که در حقیقت این آینده تاریک نظام جمهوری اسلامی است که خمینی را به گریه انداخته است.

زندانیان سیاسی زن در خطر اعدام

بقیه از صفحه اول

تقریباً زندانی بر اساس این واقعیت که آنان از پذیرش شرایط رژیم سرباز زده‌اند به خطری فوری تبدیل شده است. در هر صه بین المللی کارزار همبستگی با زندانیان سیاسی ایران با تقویت حمایت از زندانیان سیاسی زن ادامه دارد. همان طور که در نشریه شماره پیش گزارش دادیم، سازمان هفو بین الملل پیرامون خطر اعدام ۲۹ زندانی سیاسی بیانیه‌ای منتشر ساخت. در برلین غربی، شورای پناهندگان (ائتلافی از سازمان‌های مختلف اجتماعی و حقوقی بهبود شرایط اجتماعی و حقوقی پناهندگان سیاسی کشورهای مختلف فعالیت می‌کند) در نامه‌ای سرگشاده به دولت آلمان فدرال خواستار اطمینان پناهندگی سیاسی به ۸۳ زن زندانی ایرانی شده است که در زندان‌های جمهوری اسلامی در معرض اعدام قرار دارند. در

این نامه از دولت آلمان فدرال خواسته شده است جمهوری ایران برای نجات جان این زنان تحت فشار قرار دهد. از جمله امضاء کنندگان این نامه کشیش کورت شارف، خانم بیثوف فلانتس (حزب سبزها) بهمن نیرومند نویسنده ایرانی مقیم برلین غربی، جنبش صلح کاتولیک پاکس کریستی و انجمن‌های مختلف ایرانی هستند. از سوی دیگر "جامعه دفاع از حقوق بشر در ایران" در نامه‌ای به پارلمان اروپا، از نمایندگان خواستار پرداختن به وضع زنان زندانی سیاسی در ایران که در خطر اعدام قرار دارند، شد. در این نامه از کشورهای عضو بازار مشترک اروپا خواسته شده است برای پذیرش هیات بین المللی جهت بازرسی زندان‌های ایران و پایان شکنجه و اعدام، رژیم خمینی را تحت فشار قرار دهند.

جمهوری اسلامی، مترنزل و بی آینده

بقیه از صفحه اول

رهبر انقلاب به ریاست جمهوری و تعیین هیات بازنگری قانون اساسی، محدوده اصلاحات تیز کاملاً مشخص شده و گمان نمی رود انتخاب رهبر یا شورای رهبری در محدوده اختیارات شورای بازنگری باشد، این شورا به اصلاح اصل رهبری در قانون اساسی می پردازد و انتخاب رهبر یا شورای رهبری پس از اصلاح قانون و برگزاری فرآندوم در این باره برعهده مجلس خبرگان خواهد بود که طبعاً یک مجتهد عادل با انتخاب مجلس خبرگان می تواند رهبری جامعه را به دست گیرد.

بهر حال آنچه روشن است در زمینه تمرکز قدرت در قوه مجریه طرفین درگیر جنگ قدرت در حکومت توافق دارند، آنچه بر سر آن می جنگند مقامی است که قدرت اجرایی را قبضه می کند. جناح رفسنجانی از تمرکز قوا در دست رئیس جمهور حمایت می کند و جناح سید احمد خمینی و محتشمی و کروی به خاطر نفوذ در مجلس و در اختیار داشتن ارگان های مربوطه در وزارت کشور بر تمرکز قوا در دست نخست وزیر و انتخاب نخست وزیر از طریق مجلس تاکید دارد در زمینه انتخاب رهبری، جنگ به هرحال ارگان تعیین کننده رهبر و شورای رهبری و رئیس آن کشیده خواهد شد. در این زمینه برای اعمال نظر و ایجاد اقتدار برای «جانشین ولی فقیه» شخص خمینی رسماً پا به میدان خواهد گذاشت.

را بزند و تصمیم نهایی را به مسئولیت خود اتخاذ کند. روزنامه اطلاعات در ادامه می افزاید: «اگر معدل امتیازات را مبنی قرار دهیم، به نظر می رسد که رئیس مجلس ویژگی های مورد نظر برای احراز سمت مذکور یعنی ریاست شورای رهبری را - در صورت شورایی بودن - دارا باشد.»

در پاسخ به این حمله قوی جناح رفسنجانی، کیهان هوایی در مقاله ای با عنوان تعیین کاندیدا برای رهبری پیشنهاد یا تکلیف؟ نوشته است: «آنچه روزنامه اطلاعات بیان داشته در حقیقت یک اظهار نظر صرف نیست بلکه بیشتر به تعیین تکلیف برای شورای بازنگری قانون اساسی شباهت دارد... نخست آنکه آقای هاشمی از سوی برخی گروه ها کاندیدای ریاست جمهوری شده اند و طبعاً بر اساس موازین قانون اساسی کاندید شدن ایشان برای مقام رهبری خالی از اشکال نیست و در واقع این امر با قانون اساسی مقابرت دارد.»

ریاست جمهوری حداکثر می تواند دو دوره یا هشت سال بر این مسند تکیه زند در حالی که پست رهبری محدودیت زمانی ندارد. از سوی دیگر با توجه به نامه

زمینه های مربوطه انتخاب رهبر و شرایط هلمی و اختیارات رهبری پرداخته است و در مورد شرایط اصل رهبری و فردی یا شورایی بودن رهبری تصمیم گیری به عمل آمده است.

در شرایطی که جمهوری اسلامی نمی تواند هیچ «فقیه هالیتدر» دیگری برای جانشینی خمینی بیابد و با توجه به اینکه جمهوری اسلامی با شناخت بافت و ساخت خود وجود یک شورای رهبری را به معنای فقدان آن می بیند، بیشترین شکلی که به عنوان یک گریزگاه از «بن بست ولایت فقیه» مطرح شده است، تعیین یک شورای رهبری است که فردی در راس آن با داشتن حق و تو و حق زدن حرف آخر نقش تعیین کننده دارد. در همین رابطه روزنامه اطلاعات به تاریخ ۱۱ اردیبهشت در سرمقاله خود نوشته است: «تجربه کار شورایی آن هم در هر صه رهبری... تجربه موفق ن خواهد بود. چه شورای رهبری، شورایی مشابه مجمع تشخیص مصلحت بوده و چه ترکیبی جدید باشد، آنچه مسجل است، این است که باز در درون چنین شورایی باید یک نفر که معدل امتیازاتش بیشتر از دیگران است در صدر و در راس شورا قرار گیرد تا بتواند در مقام رفع اختلاف و بلا تکلیفی، حرف آخر

که شورایی که به منظور بازنگری قانون اساسی تشکیل شده هنوز پیرامون مساله تمرکز در قوه مجریه به نظر مشترکی دست نیافته و اعضا آن هم اکنون مشغول بررسی دو پیشنهاد در این زمینه هستند. یکی اینکه بر اختیارات رئیس جمهور افزوده شود و دیگر اینکه رئیس جمهور باید در مقام کنونی خویش حالت تشریفاتی داشته و نخست وزیر منتخب مجلس دارای قدرت باشد... وی با تأیید ضمنی حذف پست نخست وزیری افزود و مدیریت در قوه مجریه راه به جایی نمی برد... امور مملکتی را باید مدیر بهتر می توان انجام داد.

با توجه به کاندیداتوری رفسنجانی برای احراز پست ریاست جمهوری و اینکه در این رابطه کس دیگری از حکومتیان خود را برای مقابله با وی نمی بیند، مخالفت با افزایش اختیارات رئیس جمهور در حقیقت مخالفت با رفسنجانی تلقی می شود.

در مورد تغییر در اصل قانون اساسی راجع به انتخاب رهبر و شرایط رهبری تنها اعلام شده است که کمیسیون مربوطه به ریاست موسوی اردبیلی تشکیل جلسه داده و به بحث و گفتگو در



جلسه اعضای شورای بازنگری قانون اساسی، آخوندها همواره به همراه شسته اند

سفیر ایران در هلند به تهران فراخوانده شد

سخنگوی وزارت خارجه حکومت اسلامی در روز دوشنبه اعلام کرد که بخاطر استمرار حرکت‌های غیرمسئولانه دولت هلند در حمایت از انتشار کتاب آیات شیطانی و سلمان رشدی نویسنده این کتاب سفیر خود در هلند را به تهران فراخوانده است. این سخنگو گفته است: «حدود یک ماه پیش به وزارت خارجه هلند در مورد مواضع فیراصولی و هم‌لکرده مذموم دولت هلند توسط سفیر هلند در تهران تذکر داده بود».

بدنبال فرمان خمینی مبنی بر قتل سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی مناسبات بسیاری از کشورهای اروپایی با جمهوری اسلامی به تیرگی گرائیده بود و این کشورها

اقدام به فراخواندن سفرای خود از تهران نموده که بعد از تصمیم اضری وزرای خارجه کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا برخی از این کشورها سفرای خود را مجدداً به ایران اعزام کرده بودند.

طبق گزارش خبرگزاری‌ها، وزارت امور خارجه انگلستان اعلام کرده است که سفارتخانه‌های این کشور در اروپا به خاطر حمایت انگلیس از نویسنده کتاب «آیات شیطانی» و انتشار آن نامه‌های تهدید به مرگ برای دیپلمات‌های خود دریانت داشته‌اند.

رفسنجانی به شوری سفر می‌کند

بر اساس گزارش رسانه‌های دولتی ایران، رفسنجانی رئیس مجلس اسلامی قرار است ماه آینده میلادی به اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سفر نماید. گفته می‌شود که در این سفر ملاقات‌هایی مابین رفسنجانی و مقامات دولت شوروی صورت خواهد گرفت و بر مبنای مذاکرات انجام شده در کمیسیون مشترک همکاری‌های اقتصادی و فنی دو کشور، توافقنامه‌هایی در زمینه بسط همکاری‌های اقتصادی و فنی و مبادلات تجاری به امضاء خواهد رسید.

در سفر اخیر هیئت نمایندگی شوروی به ایران در روز یکشنبه گذشته اعلام گردید که بررسی اسناد همکاری‌های دو کشور ایران و شوروی از سوی کارشناسان دو کشور دنبال خواهد شد که احتمالاً در سفر رفسنجانی به مسکو به امضاء خواهند رسید.

آقازاده وزیر نفت حکومت اسلامی ضمن اعلام تمایل ایران به صدور گاز به اروپا از طریق شوروی گفت: بر سر صدور مجدد گاز به شوروی، راه اندازی خط مشترک کشتیرانی ایران و شوروی در دریای خزر و عبور کامیون‌های ایران از خاک شوروی و پروژه‌های مربوطه به توسعه راه‌های ایران با وزیر امور راه‌آهن دولتی

شوروی آقای «کونایف» توافق‌نامه‌ای صورت گرفته است. وی افزود که قرار است از اول سال آینده، ایران سالیانه ۲ تا ۳ میلیون مترمکعب گاز به شوروی صادر نماید. ایروانی وزیر اقتصاد و دارائی حکومت اسلامی که مسئول هیئت نمایندگی ایران در مذاکره با هیئت شوروی بود در این زمینه گفته است: دو کشور می‌توانند در زمینه‌های سندساز، ذوب‌آهن و راه‌آهن همکاری داشته باشند و همچنین ایران تمایل خود را به صدور گاز به اروپا از طریق شوروی اعلام داشته است.

در همین حال در روز پنجشنبه رسانه‌های دولتی از ورود یوری ورتنستف معاون اول وزرات امور خارجه شوروی و سفیر این کشور در جمهوری افغانستان به تهران گزارش دادند. گفته می‌شود هلت ورود یوری ورتنستف به تهران بحث و تبادل نظر پیرامون افغانستان و در ارتباط با سفر رفسنجانی به شوروی می‌باشد. یوری ورتنستف اظهار داشته که با دخالت‌های دولتهای آمریکا، پاکستان و عربستان سعودی در مسئله افغانستان اوضاع در این کشور شکل تازه‌ای بخود گرفته و با توجه به نقش ایران در اوضاع افغانستان، ضرورت یافته که بار دیگر مذاکراتی با ایران صورت گیرد.

ورود یک هیئت نظامی پاکستانی به تهران

این دیدار اعلام کرد که ما وجود پاکستانی قدرتمند، اسلامی و مردمی را پشتوانه خود می‌دانیم. و بر اهمیت روابط گسترده بین دو کشور تاکید نمود.

روز سه‌شنبه ۲۶ اردیبهشت نیز اعلام گردید که مانور کلاه‌سبزی‌های نیروی زمینی (نیروهای مخصوص و کلاه‌سبزی‌های لشکر ۲۳ کماندوئی ارتش) برای نشان دادن آمادگی دفاعی و توان رزمی خود در اردوگاه کوهستانی سداجیر کبیر با حضور یک هیئت از نظامیان خارجی و فرماندهان نیروی زمینی ارتش برگزار شده است. در این خبر اعلام نشده است که هیئت نظامی مزبور چه کسانی بوده و از کدام کشور و جهت انجام کدام مقاصد به ایران سفر کرده بودند.

به نوشته روزنامه ندای وقت چاپ پاکستان و مطبوعات دولتی ایران در تاریخ ۲۵ اردیبهشت ماه وزیر مشاور در امور دفاعی پاکستان از ایران دیدار خواهد کرد. به نوشته این روزنامه قرار است چند تن از مقامات بلندپایه وزارت دفاع این کشور به ریاست سرهنگ بان‌نشته «قلام سرور چیمه» از مراکز و تاسیسات نظامی ایران دیدن کنند و در مورد گسترش همکاری‌های نظامی دو کشور با مقامات ایرانی گفتگو نمایند. در این دیدار پیشنهادات ژنرال قلام بیگ رئیس ستاد ارتش پاکستان در مورد همکاری‌های استراتژیک ایران و پاکستان در امور نظامی مورد بحث و گفتگو قرار می‌گیرد.

همچنین روز پنجشنبه ۲۱ اردیبهشت وزرای نفت، علوم و تکنولوژی پاکستان با موسوی نخست‌وزیر دیدار و گفتگو کردند. موسوی در

اعتراض کارگران بیکار شده

شرکت پردیس

به هلت انحلال شرکت پردیس کرج که در زمینه کشتار و بسته‌بندی مرغ و توزیع مرغ و تخم‌مرغ در سطح تهران و سایر شهرها فعالیت می‌کرد، از سوی بانک کشاورزی و صنعت و معدن ۲۵۵ نفر از کارگران این شرکت کار خود را از دست دادند.

به همین خاطر کارگران شرکت به عنوان اعتراض صبح روز چهارشنبه در اداره کل کار و امور اجتماعی کرج تجمع نموده و خواستار بازگشت به کار و راه‌اندازی شرکت شدند. مسئولین هلت انحلال شرکت را وجود ضرر و زیان در فعالیت شرکت اعلام کرده‌اند.

کارگران ضمن اعتراض به این عمل اعلام نمودند که مسئولین به جای مبارزه با مدیریتهای سوئی که در این شرکت وجود داشته و باعث حیف و میل اموال زیادی شده است و موارد سرقت که یک مورد آن سرقت ۹ میلیون تومانی سود کارخانه توسط صندوقدار بوده و بی‌توجهی مسئولین کارخانه به ایجاد امکانات ایمنی در کارخانه که منجر به آتش‌سوزی در سردخانه و بیار آوردن ۳۵ میلیون تومان خسارت شده است، راهی را انتخاب کرده‌اند که هم‌اکنون منجر به تباهی و فلاکت زندگی ما گردیده است.

آنها اعلام کرده‌اند که چرا مسئولین به جای واگذاری کارخانه به ما و قبول تعهد ما مبنی بر راه‌اندازی آن و جبران ضرر و زیان وارده به انحلال شرکت مبادرت ورزیده‌اند. کارگران اعلام کرده‌اند که وجود ضرر و زیان در شرکت مزبور نمی‌تواند دلیلی بر انحلال آن توسط مقامات حکومتی باشد، چرا که بسیاری از شرکت‌ها به هلت همین سوءمدیریت‌ها و بی‌توجهی مسئولین و حیف و میل‌های آنها دچار ضرر و زیان گردیده‌اند و آنها هنوز به فعالیت خود ادامه می‌دهند.

یکی از کارگران می‌گوید که در بین ماکسانی هستند که بیش از ۲۶ سال سابقه کار دارند و دارای چند فرزند می‌باشند و تنها معر درآمد آنها کار در این شرکت بوده است با وضعیت موجود و بیکاری ما چگونه می‌توانیم نان خود و زن و بچه‌هایمان را تامین کنیم، چگونه می‌توانیم با این بیکاری گسترده و شرایط سخت زندگی مجدداً کار پیدا کنیم، و چه کسی می‌خواهد مسئول زحمات ما باشد و حق ما را بپردازد.

کارگران همگی متحداً خواستار آن گردیده‌اند که با مقامات حکومت به راه‌اندازی مجدد شرکت و سپردن امور آن به کارگران اقدام نمایند و یا در فکر کار دادن کارگران در جاهای مناسب و فراخور حال و موقعیت آنها باشند. مقامات حکومتی اسلامی از پذیرش خواست بر حق کارگران مبنی بر راه‌اندازی شرکت و سپردن امور آن به کارگران امتناع ورزیده‌اند.

دامنه جنایات رژیم فراتر از زندان‌هاست



خودکشی شکل نمی‌گرفت! اما "آناهیتا شریفی"، دختر سیزده ساله، آنچنان از فشارهای وحشتناک حاکم بر مدارس دختران به‌سزوه آمده بود که به این خودکشی جانگداز دست زد. در نامه‌ای که در اعتراض به پاسخ مسئولین در نشریات رژیم درج شده است آمده است: "برای اینکه موضوع به داوری خوانندگان گذاشته شود لازم است اشاره کوتاهی به زندگی آناهیتا دانش‌آموز سال دوم راهنمایی داشته باشیم. او در تمام دوران کوتاه تحصیل از وضعیت کاملاً ممتازی به‌گوامی نمرات موجود در کارنامه، برخوردار بوده است و در زمینه هنر نقاشی و کارهای دستی و طراحی استعدادی فوق‌العاده نسبت به سن خویش از خود بروز داده است. تابلوهای رنگ‌روغن، طراحی و سیاه‌قلم اکثراً در زمینه طبیعت که مورد مشاهده خبرنگاران قرار گرفت همه گواه این است که محیط خانوادگی نه تنها رهبانگیز و تهدیدآمیز نبوده است، بلکه محیطی بوده است آرام و شاد. ما در سه شماره پیش گزارشی را درج کردیم که نشان می‌داد مسئولین مرتجع نظام آموزشی جمهوری اسلامی چگونه حتی در دانشگاه‌ها می‌کوشند تا با حربه رعب و وحشت، قوانین ترون

وسطایی را در محیط‌های آموزشی حاکم کنند و چگونه دختران دانشجو را در منگنه قوانین و رفتارهای ارتجاعی قرار می‌دهند.

جنایاتی نظیر مرگ فجیع و فجبار "آناهیتا شریفی" به اشکال مختلف و در فاصله‌های کوتاه زمانی در گوشه گوشه ایران اتفاق می‌افتد. این‌ها هستند سند پوسیدگی رژیمی که به زور سرنیزه و چماق می‌کوشد خود را بر مردم ایران حاکم کند.

براستی ایران اکنون زندان بزرگی است که شکنجه و مرگ همه زندانیان این زندان بزرگ را تهدید می‌کند. ما سازمان‌ها و مراجع حقوقی بین‌المللی و همه انسان‌های ترقی‌خواه جهان را فرامی‌خوانیم تا نسبت به این جنایات‌های فجیع و وسیع‌الاعتراض کنند.

دختر ۱۳ ساله‌ای خودکشی کرد

احتمالی خود از مدرسه، به منزل بازگشت و خود را از طبقه ششم خانه شکار واقع در جیبان فلسطین به پایین پرتاب کرد. در پی این حادثه یک بچه نیمه خاکی آناهیتا به بیمارستان مدائن منتقل شد. تحت درمان قرار گرفت، ولی معالجات مؤثر واقع نشده و نامبرده فوت گردید.

دانش آموز ۱۳ ساله‌ای خود را از طبقه ششم منزلشان به پایین پرتاب کرد و درگذشت.

این دختر که "آناهیتا شریفی" نام داشت و در مدرسه راهنمایی میهنیه تهران درسی می‌خواند، روز چهارم اردیبهشت ماه در پی اطلاع از اخراج

نظام جمهوری اسلامی وارد می‌شود؟

* * *

مرتجعین حاکم و مسئولین مرتجعی که آموزش و پرورش نوباوگان، کودکان و نوجوانان ایران را برهمه دارند، کوشیدند تا به نحوی برای این پرسش‌ها پاسخی بسازند؛ پاسخی که اندیشه‌های مردم را از مسببین اصلی این جنایت فجیع دور بدارد. آنها برای آنکه ذهن مردم را از محیط رهبانگیز و تهدیدآمیز حاکم بر جامعه و محیط‌های آموزشی منحرف کنند، ضمن اشاره به شرایط خانوادگی این نوجوان، نوشتند که "هو و محیط خانواده آنچنان رهبانگیز و تهدیدآمیز بود که در ذهن فرزندان مغری جن

وقتی خبر تکان دهنده بالا در نشریات جمهوری اسلامی درج شد، در ذهن اکثر خوانندگان این پرسش‌ها مطرح گردید:

*چه چه دلیلی یک دختر ۱۳ ساله را می‌خواستند از مدرسه اخراج کنند؟

*چه شرایط وحشتباری بر این دختر ۱۳ ساله حاکم بود که او را واداشت تا در زیباترین و امیدبخش‌ترین مرحله زندگی، اینچنین نومیخانه مرگ فجیع را پذیرا شود؟

*آیا مسئول این جنایت بزرگ، مسئولین نظام آموزشی جمهوری اسلامی نیستند؟

*آیا هلت اصلی این جنایت، فشارهای مرگبار و وحشتناکی نیست که بر زنان و دختران در

۴۳ نفر دیگر به دار آویخته شدند

در طول هفته گذشته بر پایه سیاست اعلام شده حکومت مبنی بر "مبارزه با قاچاق مواد مخدر" و رای دادگاه‌های اسلامی مبنی بر اعدام قاچاقچیان، ۴۳ نفر دیگر به اتمام خرید و فروش مواد مخدر در شهرهای مشهد، شیراز، چابهار، تروین - کرج، لاهیجان، سمنه، کرمانشاه و کنگاور در ملاء عام به دار آویخته شده‌اند.

طبق اخبار منتشره از سوی حکومت اسلامی در شهر کرمان در روز شنبه ۲۵ نفر دیگر در درگیری مسلحانه با مامورین حکومتی کشته شده‌اند. گفته شده است که این افراد به خرید و فروش مواد مخدر مشغول بوده و دست به مقابله مسلحانه علیه مامورین حکومت زده‌اند.

پس از اعلام قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر تاکنون بیش از ۲۵ نفر به اتمام خرید و فروش مواد مخدر در ملاء عام به دار آویخته شده‌اند. تعداد افرادی که به همین اتمام و درگیری مسلحانه با مامورین حکومت اسلامی به قتل رسیده‌اند به بیش از صد تن می‌رسد و چندین هزار نفر نیز به اتمام استعمال مواد مخدر

به زندان افکنده شده‌اند. لازم به تذکر است که حکومت اسلامی با متوسل شدن به اعدام قاچاقچیان در ملاء عام - علاوه بر هدف ایجاد رعب و وحشت همومی، گسترش سیاست پلیسی و سرکوبگرانه خود را دنبال می‌کند. سیاست جمهوری اسلامی در بدار آویختن انسانهایی که خود برخا قربانیان سیاستهای حکومت اسلامی هستند، و آنهم در ملاء عام جنایت هول‌انگیز دیگری علیه حقوق بشر و اخلاق اجتماعی در کشور ما می‌باشد؛ مبارزه با اعتیاد و قاچاق مواد مخدر مطلقاً ضروری است ولی این مبارزه زمانی اساسی است که با ریشه‌های شکل‌گیری اعتیاد و قاچاق مواد مخدر مبارزه‌ای جدی شود.

۴ میلیون نفر کارگر بیسواد در بخش خصوصی

یکی از مسئولین آموزش و پرورش در یک مصاحبه تلویزیونی در روز شنبه ۲۴ اردیبهشت ماه اعلام کرد که ۴ میلیون نفر از

افرادی که در بخش خصوصی اشتغال دارند بیسواد هستند. وی در همین مصاحبه اعلام نمود که تعداد افراد بیسواد در بخش دولتی ۱۴۰ هزار نفر اعلام شده است. اعلام آمار فوق از سوی یکی از مقامات حکومتی نشان‌دهنده شکست سیاست رژیم در زمینه مبارزه با بی‌سوادی و هوامقربانه بودن دعوای حکومت در این مورد می‌باشد. در این مصاحبه مقام حکومتی افزود که طبق بخشنامه‌ای که به شرکت‌های خصوصی فرستاده شده است، این شرکت‌ها حق استخدام افراد بیسواد را نخواهند داشت و تمامی کارکنان بخش خصوصی نیز باید در عرض سه ماه باسواد شوند. با اعلام این مطلب و اینکه جمهوری اسلامی که در طول بیش از ده سال حاکمیت خود نتوانسته است به معضل بیسوادی در جامعه بپردازد و اینکه حال می‌خواهد راه طی نشده در این دهسال را در ده ماه بپیماید، معلوم است که اولتیماتوم مقام فوق جز اخراج و وسیع کارگران و کارکنان بخش‌های دولتی و خصوصی تحت عنوان "مبارزه با بیسوادی" نخواهد بود.

پیرامون دو کنسرت موسیقی و آواز ایرانی

موسیقی ایرانی، در انتظار تحولی تازه

نکاتی چند در باره
کنسرت شجریان:

اگر زنده یاد، استاد بنان را آوازگر تحولی در آواز سنتی ایران بدانیم، شجریان را باید تا کنون ادامه دهنده و پوینده راهی دانست که بنان در آواز سنتی گشود. شجریان که اکنون ۴۹ ساله است، آواز را از نو جوانی آغاز کرد. تا اواخر دهه ۴۰ اگر چه هنرمندی پژوهنده بود، اما جز در محافل هنری شناخته شده نبود. در سالهای نخست دهه پنجاه، صدای او با نام مستعار سیاوش از رادیو و تلویزیون ایران پخش شد و بدین طریق مردم با خواننده خوش صدایی به نام "سیاوش" آشنا شدند.

اگر "موسیقی بی کلام" تنها از طریق ریتم ها و ملودی ها با شنونده ارتباط می گیرد، آواز علاوه بر این ها با کلام و شعر این ارتباط را کامل تر می کند. در کشورهایایی چون ایران به سبب های گوناگون و از همه مهمتر به سبب تنگناهایی که مذهب در راه اشاعه و تکامل موسیقی پدید آورده است، نقش کلام و شعر برای تأثیر آواز بر شنونده چندین برابر معمول است. بر این اساس می توان ادعا کرد آنچه شجریان را به خواننده بخش وسیعی از مردم ایران بدل کرده، علاوه بر ارزش های هنری کارهای او که خود محصول تلاش همه جانبه و جمعی است، انتخاب مناسب اشعار، کلام و تصنیف هایی است که تاکنون در کارهایش صورت گرفته است.

آهنگسازان نوآر است. موسیقی سنتی ایران که می رود تا از مرحله بازسازی درگذرد، اینک چشم انتظار یک تحول پایهای است؛ تحولی آنسان که در شعر فارسی پدید آید.

کاری که هلیزاده در کنسرت اخیر خود ارائه داد، مجموعه موزون، به هم آمیخته و متحولی است که در زوایای پیچیده و در همین حال آشنای آن، دست آوردهای تازه کاوشهای چندین ساله اش نمایان است. استفاده مناسب از فولکلور خلق های ایران، وفاداری به نظم جان نواز دستگاه های ایرانی و در همین حال تنوع چشم گیر ریتم ها و ملودیها تا بدان پایه بود که شنونده و تماشاگر در تمام طول اجرا، لحظه ای از دنبال کردن نغمه هایی که هلیزاده با آن قدرت ویژه نوازندگی اش ارائه می داد، باز نمی ایستاد. نغمه هایی که گاه حزن انگیز و گاه شاد و گاه تکان دهنده اما همواره شیوا و دلنشین بودند. اوج کنسرت در اجرای قطعه ترکمن بود. این قطعه که توسط هلیزاده برای سه تار و ارکستر نوشته شده، به سبب ریشه دار بودن، تنوع ریتم، تنوع ملودی و گویایی پیام هنری اش ارزش و اعتبار ویژه ای به کار او بخشید.

حسین هلیزاده سازنده آثار ارزشمندی چون نی نوا (برای نی و ارکستر زهی)، سواران دشت امید (برای ۳ تنبک و سازهای سنتی)، حصار (برای سازهای سنتی)، نوروز (برای سازهای سنتی)، فانتزی برای گیتار، ارکستر زهی و سازهای کوبی سرودهای آذربایجان (برای ساز آذربایجانی و سازهای سنتی و آواز)، و... است. او استعداد ویژه خود را برای حرکت موثر در ایجاد تحول در موسیقی سنتی ایران نشان داده است.

کنسرت تازه هلیزاده و آثاری که در این کنسرت ارائه شد، نشانگر ادامه بویندگی او در راه ایجاد این تحول است.

اجرا درآمدند. این بخش با "تصنیف" بلند "بی هم زبان" به سروده "آذر" پایان یافت. پس از استقبال طولانی حاضرین در کنسرت، شجریان اجرای تصنیف "مرفغ سحر" را به دو ستارانش به عنوان حسن ختام هدید کرد.

کنسرت در فضایی صاف و در میان اشک های تماشاگران و خواننده که از فلیان احساسات نشئت می گرفت پایان یافت.

پیرامون
کنسرت هلیزاده:

حسین هلیزاده که فعالیت هنری خود را از سن ۱۷ سالگی در سال ۱۳۴۷ در ارکستر رودکی به رهبری حسین دهلوی آغاز کرد و از سال ۱۳۵۵ کارهایش را در رادیو ایران به اجرا گذاشت، در شعاعی گسترده تر از دو ستاران موسیقی ایرانی، نامی بس آشنا است. او از بنیانگذاران گروه هارف است. این گروه با همکاری گروه شیدا خدمات شایانی به موسیقی ایران کرده است.

موسیقی ایرانی که امروز توسط آهنگسازان نوآور بار دیگر احیا شده است به روایت اهل فن از زمان ساسانیان تاکنون، سینه به سینه انتقال یافته است.

آنچه امروز به عنوان "موسیقی سنتی"، "موسیقی اصیل" و یا "موسیقی ایرانی" ارائه می شود، حاصل تلاش های صمیمانه و دلسوزانه همین

ایرانیان متیم آلمان فدرال در ماه جاری شاهد دو رویداد هنری بودند. نخستین رویداد، کنسرت سه تار هلیزاده و کمانچه، تار و تنبک شکارچی، هلیزاده و قوی حلم بود و دومین، کنسرت آواز محمدرضا شجریان به همراهی تار و سه تار داریوش پیرنیاکان، تنبک مرتضی اهیان و نی جمشید هندلیبی. نظر به اهمیت این دو کنسرت، ابتدا به گزارش کوتاهی از برگزاری آن ها و سپس به بررسی اجزای این دو برنامه می پردازیم.

کنسرت هلیزاده و شکارچی از دو بخش تشکیل شده بود. بخش اول برنامه به تکنوازی سه تار توسط حسین هلیزاده اختصاص داشت. این بخش با اجرای تازه ای از گوشه ها و ردیف های موسیقی سنتی آغاز شد و در اوج خود با اجرای قطعه تکان دهنده و شورانگیز "ترکمن" که از ساخته های خود اوست پایان یافت.

در بخش دوم، اکبر شکارچی نوازنده کمانچه و خواننده نوآور ترانه های محلی لرستان به همراهی هلیزاده و قوی حلم به اجرای چند ترانه دلنشین و خاطره انگیز لری پرداخت. پس از پایان گرفتن بخش دوم به تقاضای جمعیت حاضر در کنسرت، تصنیف زیبای "اشترانکوه" به عنوان حسن ختام، توسط این هنرمندان اجرا شد. کنسرت هلیزاده و شکارچی با استقبال شدید و شایسته حاضرین پایان یافت.

بخش اول کنسرت محمدرضا شجریان در دستگاه ابوهطابا پیش درآمدی ساخته شجریان و چارمضرب بداهه نوازی آغاز شد و با دوبیتی های باباطاهر در دشتستانی پایان یافت. در این بخش دو "تصنیف" به نام های "پیام نسیم" و "دل داده" اجرا گردید.

بخش دوم برنامه در دستگاه ماهور، با پیش درآمد و چارمضرب از ساخته های داریوش پیرنیاکان آغاز شد. دو "تصنیف" به نام های "سرو چمان" و "خاطر حزین" که هر دو بر روی نثرهای حافظ ساخته شده اند در بخش های مناسبی از قطعات آوازی و گاه ضربی به

ادامه سیاست نظامی گرائی دولت امریکا

بقیه از صفحه آخر

مذاکره بر سر این موشک هانیست، بلکه از پیش روی این حساب می کند که اروپایی ها استقرار این موشک ها را هر چند با تاخیر، تصویب خواهند کرد.

در این میان اتحاد شوروی با پیشنهاد های جدید خود مبنی بر کاهش یک جانبه سلاح ها و مذاکره پیرامون سلاح های برد کوتاه به میدان آمده است. میخائیل گارباچف در ملاقات کوتاهی با بیکر وزیر امور خارجه امریکا بر مذاکرات خلع سلاح تاکید کرد.

نشار اتحاد شوروی برای مذاکره و اقدامات یک جانبه اتحاد شوروی بر، سردرگمی و اختلاف نظر ها در پیمان ناتو افزوده است. اشتولتن برگ وزیر دفاع آلمان فدرال که برای راضی کردن امریکایی ها به مذاکره به واشنگتن رفته بود، در فرودگاه با مصاحبه بیکر همتای امریکایی خود روبرو شد که صراحتاً گفت: اگر یک بار درباره مذاکره سخن بگوئیم، دیگر نمی توانیم در برابر راه حل صفر سوم مقاومت کنیم. چنین کاری خطایی اساسی است. پیمان ناتو نباید از استراتژی "ترساندن" خود دست بردارد.

موضع دولت امریکا در خود این کشور نیز با موافقت روبرو نیست. لس آسپین، رئیس

کمیسیون دفاع مجلس نمایندگان گفت: "بوش و بیکر اقدامات خلع سلاح و کاهش نیروی اتحاد شوروی را دست کم می گیرند. آنها با دورنگری سیاسی به این امر برخورد نمی کنند."

دشواری دیگر محافل نظامی گرا در امریکا و اروپا از زاویه دیگری نیز نمایان است. تاکنون در تبلیغات فرب اتحاد شوروی و کشورهای عضو پیمان ورشو به عنوان متجاوز معرفی می شدند که برای دفع خطر آنها باید سلاح های بیشتری متمرکز شوند. اکنون چند سال است در ذهن مردم اروپای غربی این تصویر فروریخته است. اقدامات مسئولان اتحاد شوروی از یک سو گسترش جنبش ضد جنگ از سوی دیگر همه و همه علیه محافل جنگ طلب امریکایی و اروپایی همل کرده اند تا جایی که احزاب دست راستی دمکرات مسیحی نیز راه خود را از این محافل جدا کرده اند و در جستجوی راه حل میانی هستند. برای آنها هیچ راهی جز کار برد حق و توبه مخالفت صریح با این طرح وجود ندارد. تاکنون برای محافل نظامی گرای فرب امکان مانور برای کم اهمیت جلوه دادن اقدامات صلح دوستانه اتحاد شوروی وجود داشت. اکنون

با گسترش این اقدامات و با توجه به ابعاد آنها این امکان محدودتر گشته است. اگر چه هنوز نیز محافلی وجود دارند که به قول یکی از مفسران غربی اگر میخائیل گارباچف ارتش سرخ را فقط به تیر و کمان مجهز سازد، باز هم خواهند گفت: "قابل استقبال است ولی کافی نیست."

ادوارد شواردنادزه، وزیر امور خارجه اتحاد شوروی با تاکید چندباره بر اهمیت و جدیت اقدامات یک جانبه اتحاد شوروی گفت: سیاست دولت امریکا و پافشاری بر "مدرنیزاسیون" سلاح های هسته ای، اتحاد شوروی را مجبور به عکس العمل خواهد ساخت. این امر به نفع امر صلح جهانی نیست.

بسیاری از احزاب اروپای غربی صرف نظر از موضع واقعی خویش، مجبور به تبعیت از افکار همومی مردم کشور خود هستند. حزب دمکرات مسیحی آلمان فدرال در سال آینده با انتخابات روبرو است. از همین راستا می توان سیاست این حزب و دولت آلمان فدرال را در مخالفت با امریکا ارزیابی کرد. در هر حال مخالفت با سیاست نظامی گرایانه دولت امریکا هر روز در اروپای غربی گسترش بیشتری می یابد.

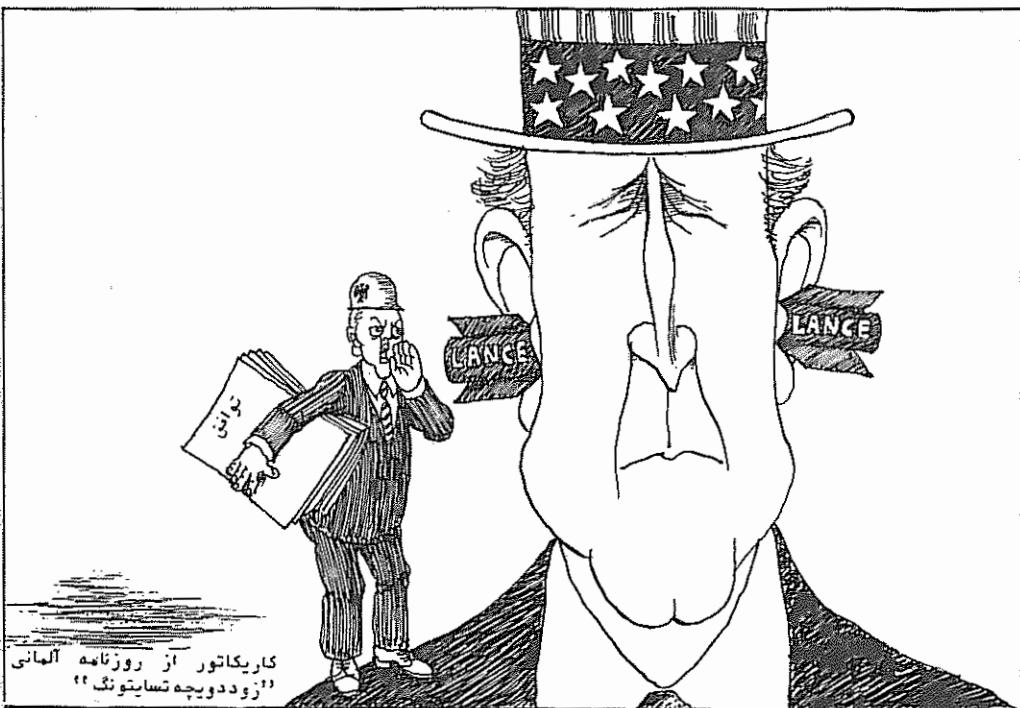
شجریان با خواندن تصنیف هایی چون "به یاد هارف"، "چهره به چهره روبرو"، "در این سرای بی کسی، کسی به در نمی زند"، "داروک"، "از خون جوانان وطن" و انتخاب اشعاری از حافظه سعدی، مولوی، خیام و... انتخاب هایی مناسب و درخور شرایط اجتماعی وقت، توانست به خواننده محبوب بخش وسیعی از مردم تبدیل شود. هر یک از تصنیف ها و آوازه ها به این دلیل ماندگار شدند که آمیزه استادانه ای از شعر و ملودی و ریتم رابه تناسب ضرورت زمان با خود به همراه داشتند.

کنسرت اخیر شجریان اگر چه پایان خوش اجرای "مرغ سحر" رابه همراه داشت، و هر چند که با انتخاب نسبتاً خوب اشعار همراه بود، اما به لحاظ ارتباط زنده و هماهنگ شعر، ملودی و ریتم از موفقیت های پیشین کارهایش برخوردار نبود. او که در ارتباط منطقی و زیبایی موسیقی و کلام، پس از استاد بنان استعداد شگرفی از خود نشان داده است، در کنسرت اخیر خود در همین زمینه نسبت به کارهای پیشین ضعف هایی داشت.

نکته ای که نباید از آن گذشت اینست که همه تصنیف هایی که در کنسرت اخیر شجریان اجرا شد ساخته خود اوست. با آگاهی از این مطلب که در پیرامون او آهنگسازان چون حسین هلیزاده، پرویز مشکاتیان، کامبیز روشن روان و... هستند، جای تعجب است که آواز استادانه شجریان با آهنگ های استادانه استادان فن همراه نشده است.

شجریان در آواز ایرانی نامی ماندگار است. او به سبب حداقل بیش از ۱۵ سال کار مداوم و پیگیر و کاوش موثر در زمینه موسیقی و آواز ایرانی اعتبار شایسته ای در اقشار مختلف مردم ایران کسب کرده است.

اجرای کنسرت جدید شجریان در مقایسه با کنسرتی که سال گذشته به همراه گروه هارف در آلمان فدرال اجرا کرد ضعف هایی داشت. اما بی تردید هنر شجریان، کاوشهای او در زمینه تکامل بخشیدن آواز سنتی ایران، و تلاش های جدی او در راه ایجاد تحول در آواز ایرانی از جایگاه ارجمندی برخوردار است.



کاریکاتور از روزنامه آلمانی
"از دو پیچ تاسیتونگ"

اعلام وضع فوق العاده

در پکن



صحنه‌ای از راهپیمایی میلیونی

دانشجویان نیازمند پاسخ‌یابی جدی است. گزارش‌ها وجود نوبی سردرگمی را در سیاست حزب و دولت نشان می‌دهند. روندهای مفتی‌گذشته نشانگر گسترش کیفی اعتراض‌ها (شرکت افشار مختلف اجتماعی) بودند و این امر طبیعتاً نگرانی دولت را مبنی بر عدم کنترل راهپیمایی‌ها و جنبش اعتراضی برمی‌انگیزد. در اینجا این سوال پیش می‌آید که نظر دولت از اعلام وضع فوق العاده چیست؟ لی‌پنگ، نخست‌وزیر می‌گوید هدف از اعلام وضع فوق العاده مبارزه با "هرج و مرج" است. از این سخن تلاش برای کنترل این جنبش برمی‌آید. اما سوال اصلی بر جای می‌ماند: نظر حزب و دولت پیرامون خواست‌های دانشجویان و سایر محافل اجتماعی چیست؟ به نظر می‌رسد دیگر از عناصر ضد سوسیالیست و "خرابکار" سخن نمی‌رود. از سوی دیگر مذاکرات هر چند نیمه‌تمام با دانشجویان صورت گرفته است. اما ضرورت پرداختن صریح به خواست‌های مطرح شده هر چه بیشتر در مقابل رهبری کشور قرار می‌گیرد انجام فرم‌های سیاسی، گسترش دموکراسی در زندگی اجتماعی و مبارزه با پدیده‌های منفی چون رشوه خواری، نیازهای روز جامعه چین هستند. میخائیل گارباچف به درستی گفته است: اکنون در تمامی کشورهای سوسیالیستی روند نواندیشی و نوسازی در جریان است. امری که سوسیالیسم را به دوره‌ای نوین ارتقا خواهد داد. هر چند مرحله‌ای "در دامیر" به همراه داشته باشد.

واحدی‌های مستقر در پکن از شرکت در این هم‌لیات خودداری کرده‌اند.

خبرگزاری‌های غربی گزارش دادند که زائو زیانگ پس از رد پیشنهادهای مبنی بر پذیرش برخی از خواست‌های دانشجویان توسط کمیسیون دائمی هیات سیاسی، پیشنهاد استعفا خود را طرح کرده است.

پدیده‌ای که در طی هفته‌های اخیر به چشم می‌خورد، مسالمت‌آمیز بودن حرکات اعتراضی است. هیچ یک از طرفین، چه نیروهای پلیس و چه میلیون‌ها شرکت‌کننده در راهپیمایی‌ها، تاکنون به کاربرد خشونت نپرداخته‌اند. این پدیده جالب توجهی است که از فرهنگ جامعه چین برمی‌خیزد. طبیعی است تا زمانی که خشونت به کار گرفته نشود، راه برای مذاکره و پیشبرد مسالمت‌آمیز باز است. البته اکنون با اعلام وضع فوق العاده باید در انتظار عکس‌العمل دانشجویان بود.

آن زمان که سرمقاله ارگان حزب کمونیست چین دانشجویان معترض را "اشوب طلب" خواند و "مشتی عناصر ضد سوسیالیست" را مختصر این اقدامات نامید، ما این ارزیابی را کاملاً نادرست و غیر واقعی نامیدیم. خواست‌های دانشجویان نشانگر سوسیالیسم ستیزی نبودند. زائو زیانگ، دبیر کل حزب، در ملاقات خود با دانشجویان اعتصابی بر میهن پرست بودن آنها تأکید کرد. اکنون این واقعیت خود را به رهبری حزب و دولت تحمیل خواهد کرد که خواست‌های

طریق تلویزیون و رد این خواست از سوی دولت قطع گردید.

پدیده‌ای که مفتی‌گذشته توجه را جلب کرد، شرکت محافل مختلف اجتماعی در راهپیمایی‌ها بود. بدین ترتیب حرکتی که در ابتدا توسط دانشجویان در چارچوب دانشگاه‌ها آغاز شده بود، سپس به خیابان‌ها کشیده شد و توجه تعداد زیادی از مردم را جلب کرده، سرانجام به شرکت افشار مختلفی از مردم در آن انجامید. در ابتدا خبرنگاران و کارکنان وسایل ارتباط جمعی به دانشجویان پیوستند.

خبرگزاری‌ها گزارش دادند که به ویژه در تظاهرات میلیونی روز چهارشنبه بخش وسیعی از کارمندان دولت، کارکنان وزارت امور خارجه و حتی کارکنان سازمان امنیت نیز شرکت کرده، خواستار گسترش دموکراسی در جامعه شده‌اند.

زائو زیانگ دبیر کل حزب کمونیست چین به دیدار دانشجویان شرکت‌کننده در اعتصاب غذا رفت. او هم‌چنین از دانشجویان اعتصابی که به بیمارستان منتقل شده بودند، دیدار کرد. او در سخنان خویش آنها را عناصر میهن پرست کشور نامید. تا روز پنجشنبه بیش از هزار نفر به بیمارستان انتقال یافته بودند.

با این حال دانشجویان بر خواست خویش مبنی بر استعفا زائو زیانگ پای می‌نهند. لی‌پنگ روز جمعه ۱۹ ماه مه گفت "هرج و مرج" تمام کشور را گرفته است و در "پکن آنارشی حاکم است."

دانشجویان روز جمعه شب به اعتصاب غذای خود پایان دادند. صبح شنبه ۲۰ ماه مه، لی‌پنگ، نخست‌وزیر چین، وضع فوق العاده در پکن اعلام کرد. بر این اساس هر نوع گردهمایی ممنوع شد. دانشجویان اعلام کردند که به تحریم کلاسها و برگزاری راهپیمایی‌ها ادامه خواهند داد. گزارش‌های مختلفی حاکی از حرکت واحدهای نظامی از نقاط مختلف کشور به سوی پکن هستند.

جنبش اعتراضی در جمهوری خلق چین گسترش وسیعی یافته است. راهپیمایی‌های عظیم و به ویژه راهپیمایی یک میلیون نفر در روز چهارشنبه ۱۷ ماه مه در پکن، با ورود میخائیل گارباچف، انعکاس گسترده‌تری در سطح جهان یافت. می‌توان گفت سفر رهبر شوروی به پکن تأثیر مستقیم در گسترش راهپیمایی‌ها داشته است. روز شنبه ۱۲ ماه مه هزار دانشجو برای انجام فرم‌های دموکراتیک در میدان صلح آسمانی دست به اعتصاب غذا زدند. طی چند روز تعداد شرکت‌کنندگان در اعتصاب غذا به سه هزار نفر افزایش یافت. از همان روز راهپیمایی‌های عظیم به سوی این میدان برای ابراز همبستگی آغاز شد. روز سه‌شنبه بیش از سیصد هزار نفر و روز چهارشنبه بیش از یک میلیون نفر به راهپیمایی پرداختند. گسترش راهپیمایی‌ها به قدری بود که دولت قادر به تخلیه میدان صلح آسمانی برای بازدید میخائیل گارباچف نشد و ناچار گردید محل دیگری را انتخاب کند.

دور جدید اعتراض‌ها که توسط دانشجویان شروع شد، طرح همان خواست‌های قبلی از جمله برقراری دموکراسی در زندگی اجتماعی و مبارزه با رشوه خواری و فساد در ارگان‌های دولتی و حزبی و استعفا زائو زیانگ بود. به این خواست‌ها بازپس‌گیری سرمقاله چاپ شده در ارگان حزب اضافه شد که دانشجویان را "هرج و مرج طلب" نامیده بود.

مذاکراتی که میان نمایندگان حزب، دولت و دانشجویان آغاز شده بود، روز یکشنبه ۱۳ ماه مه قطع شد. از جانب دولت و حزب، لی‌تسینگ، وزیر علوم و آموزش، یان مینگ‌تو، عضو هیات سیاسی و یک‌دبیر کمیته مرکزی و از جانب دانشجویان بیش از ده نفر در مذاکرات شرکت کردند. این مذاکرات پس از درخواست دانشجویان مبنی بر گفت و گو با زائو زیانگ دبیر کل حزب و لی‌پنگ نخست‌وزیر و بخش مستقیم آن از

یگانگی مجدد

بته از صفحه اول

گواه این امر است که روند دوستی میان این دو کشور چه تغییراتی در اوضاع سیاسی جهان خواهد داد. تاثیر این رویداد در جنبش جهانی صلح و خلع سلاح، در روابط با جهان سرمایه داری و در درگیری های منطقه ای (افغانستان و کامبوج، ...) غیرقابل انکار است.

دومین روزه در دیدار میان میخائیل گارباچف و تنگ شیائو پینگ، دبیرکل حزب کمونیست چین گفت: "جازه دهید اکنون با استفاده از این فرصت هادی شدن روابط میان دو کشور خود را اعلام داریم!" موافقت گارباچف با کف زدن شدید حضاران همراه شد. پیرامون روند خلع سلاح، طرفین اعلام داشتند: "ما در این مورد مواضع مشابهی داریم." ۳۰ سال پیش امر ممزیستی مسالمت آمیز یکی از مواردی بود که به اختلاف شدید میان دو حزب انجامید. چین، اتحاد شوروی را به رویزیونیسم و آشتی طلبی با امپریالیسم متعمم کرد. ادامه این روند به خصوصیتی ظاهرا آشتی ناپذیر انجامید. اتحاد شوروی به نوبه خود بر خطاها در برخورد با چین اشاره می کند. میخائیل گارباچف و تنگ شیائو پنگ در مذاکرات خود به نظر واحدی رسیدند که برای سوسیالیسم یک مدل واحد وجود ندارد. سوسیالیسم در هر کشور منطبق بر شرایط ویژه آن کشور ساخته می شود. تلاش برای تحمیل "راه شوروی به سوسیالیسم" به چین یکی از محورهای بود که از نظر ایدئولوژیک و سیاسی روابط دو کشور را به تیرگی کشانده بود. چین به نوبه خود از تئوری "بر قدرت ها" دست برداشته است.

اکنون دو کشور در تلاش از میان برداشتن تمام آن موانعی هستند که طی سالیان دراز ایجاد شده اند. پیرامون اختلافات مرزی، اتحاد شوروی خواست چین را مبنی بر اعلام خطوط مرز آموژ و اوسوری به عنوان مرز دو کشور پذیرفت. اتحاد شوروی همچنین سه چهارم از واحدهای ارتش سرخ مستقر در جمهوری خلق مغولستان را فراخواهد خواند. فراخواندن ۴۰۰ هزار نفر از سربازان شوروی از بخش های

آسیایی اتحاد شوروی آغاز شده است. "کمیسوین مشترک نظامی" برای پرداختن به مسایل مربوط به ۷۵۰۰ کیلومتر مرز مشترک و انجام اقداماتی جهت ابراز حسن نیت شروع به کار خواهد کرد.

گنادی گراسیموف، سخنگوی وزارت امور خارجه اتحاد شوروی در مصاحبه مطبوعاتی در پکن گفت: دیدار بین رهبران دو کشور پی آمد روندهای مثبت در روابط دو کشور طی سال های اخیر است. او تاکید کرد که این ملاقات تاثیرات خود را بر روابط اقتصادی و همکاری ها نیز خواهد گذاشت. واقعیت این است که روابط اقتصادی دو کشور طی دهه هشتاد گسترش وسیعی یافته است. تنها از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۸ روابط متقابل اقتصادی از ۱۷۷ میلیون روبل به ۱/۸۵ میلیارد روبل یعنی به بیش از ده برابر رسیده است. اولین قرارداد تبادل متخصصان پس از قطع روابط و فراخواندن متخصصان شوروی از چین، امضا شده است. در حال حاضر مذاکراتی پیرامون مدرن سازی ۲۲ واحد تولیدی بزرگ در چین در جریان است. اتحاد شوروی در ایجاد و گسترش خطهای آهن و ساخت نیروگاه های حرارتی در چین، همکاری خواهد کرد.

نکته ای که هر دو کشور بر آن تاکید کرده اند این است که نزدیکی مجدد دو کشور بزرگ هیچ گونه اتحاد علیه یک کشور دیگر را به دنبال نداشته است و دو کشور سیاست جبهه گرایی را به کنار گذارده اند. سیاست خارجی دو کشور در سال های اخیر در هرزه های وسیعی به هم نزدیک شده است. موارد مشخص مورد اختلاف دو کشور از جمله افغانستان، مغولستان و کامبوج در حال حل شدن هستند. فراخواندن نیروهای ارتش سرخ از افغانستان و مغولستان مورد تأیید کامل چین است. جمهوری خلق چین به عنوان گام متقابل در این زمینه، با عدم تقویت دار و دسته پول پت در کامبوج و مجاهدین افغانی به سهم خویش در تشنج زدایی کمک موثری خواهد کرد.

سفر چهار روزه میخائیل گارباچف با گسترش وسیع تر تظاهرات دانشجویان و مردم در پکن همراه شد. دانشجویان از ورود میخائیل گارباچف به پکن با ابراز احساسات شدید استقبال کردند. تصویرهای گارباچف در راهپیمایی ها به چشم می خورد. با

توجه به روند اعتراضی در چین، چنین استقبالی از گارباچف کاملا طبیعی بود. در همین حال این نیز آشکار بود که میخائیل گارباچف پیرامون این روندها در چین اظهار نظری نکند. او در پاسخ به سوال خبرنگاری که در مصاحبه مطبوعاتی در پکن صراحتا نظر او را خواستار شده بود، گفت: ما دخالتی در امور داخلی چین نخواهیم کرد و برای مسایل آنهارا حل از این نخواهیم داد. این وظیفه خود آنهاست. من فقط می توانم بگویم که اگر چنین شرایطی در

مسکو پدید می آمد، با توجه به شرایط کشور ما، ما تلاش می کردیم برای آن راه حل سیاسی و از راه مذاکره بیابیم.

روندها در روابط میان جمهوری خلق چین و اتحاد شوروی، در آینده تاثیر ژرفی در زندگی سیاسی بین المللی خواهد گذارد. سمت این روابط در همان سویی است که امید بشریت به انسانی ساختن روابط بین المللی و قرارداد انسان در محور تمام تحولات را افزایش خواهد داد.



میخائیل گارباچف در دیدار با جوانان چینی

از بیانیه مشترک جمهوری خلق چین و اتحاد شوروی

"رهبری چین و اتحاد شوروی تبادل نظر پیرامون روابط متقابل را امری سودمند یافتند. هر دو طرف توافق نظر داشتند که ملاقات سران چین و شوروی هادی سازی روابط میان دو کشور را نشان می دهد. جمهوری خلق چین و اتحاد شوروی سوسیالیستی روابط خود را بر اساس اصول معتبر برای روابط میان دولت ها، یعنی احترام متقابل برای استقلال و حقوق متقابل، عدم تجاوز به خاک و مداخله در امور داخلی یکدیگر برابری، سودمندی متقابل و ممزیستی مسالمت آمیز تدوین می کنند. هر دو طرف در این امر توافق داشتند که اقداماتی را جهت کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی چین و شوروی تا میزان حداقل مناسب برای روابط دوستانه همسایگی میان دو کشور به کار گیرند و در جهت تقویت اعتماد و آرامش مداوم در طول مرزها عمل کنند. هر دو طرف این امر را سودمند می یابند که اطلاعات و تجربه های خود را در مورد رشد سوسیالیستی و رفاه ما مبادله کنند و پیرامون روابط متقابل و مسایل بین المللی مورد نظر دو طرف تبادل نظر کنند. اختلاف نظرها در مسایل خاصی نباید مانع پیشرفت روابط متقابل شوند. حزب کمونیست چین و حزب کمونیست اتحاد شوروی می خواهند روابط و تبادل تجربه های خود را با اتفاق نظر بر اصول عدم وابستگی، برابری کامل، احترام متقابل، عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، گسترش دهند.

هیچ یک از طرفین در تلاش کسب همزونی به هر شکل در آسیا و اقیانوس آرام و یا در هر نقطه دیگر جهان نخواهد بود. هر دو طرف این امر را ضروری دانستند که تلاش هر کشور دیگری را برای تحمیل خواست خود به دیگران و کسب همزونی به هر شکل را در هر جای دنیا محکوم کنند."

پیشنهاد های جدید اتحاد شوروی برای خلع سلاح

کودتا در اتیوپی

گشته‌اند، زندگی در آدیس آبابا روال هادی خود را بازیافته است. هایل هاریام روز پنجشنبه در یک پیام تلویزیونی روند کودتا را تشریح و فرماندهان آن را معرفی کرد. فرمانده نیروی هوایی از رهبران کودتا بوده است.

پیرامون انگیزه‌های کودتاچیان مطلبی منتشر نشده است. اما اتیوپی بابرخی مشکلات دست به گریبان است که مهم‌ترین آنها را می‌توان درگیری‌های طولانی ملی میان دولت مرکزی و جدایی طلبان اریتره و تیگره نام برد. سالیان درازی است نبردهای نظامی میان دولت و نیروهای دو ایالت اریتره و تیگره که در دو جبهه رهایی بخش متشکل شده‌اند، ادامه دارد. از این رو نوهی ناراضیتی میان واحدهای نظامی به وجود آمده است که از جنگ بی‌سرانجام خسته شده‌اند. این جنگ به جنگی فرسایشی تبدیل شده است. میخائیل گارباچف به هایل هاریام، وقتی که او در ماه ژوئن سال گذشته به مسکو رفته بود، ابراز داشت برای اریتره و تیگره باید در جستجوی راه حل سیاسی بود. از این رو اتحاد شوروی تقاضای افزایش کمک نظامی به اتیوپی را نپذیرفت.

تحتلی و گرسنگی نیز از جمله دشواری‌هایی هستند که طبیعت در کنار درگیری‌های نظامی، پیش پای دولت جمهوری دمکراتیک خلق اتیوپی قرار داده است. این همه می‌تواند طی سالیان دراز باعث ناراضیتی عمومی شود. دولت اتیوپی با دشواری‌های بزرگی روبرو است که باید به حل آنها بپردازد.

روز سه‌شنبه ۱۶ ماه مه در اتیوپی کودتای نافرمانی صورت گرفت. گروهی از واحدهای نظامی و بخشی از نیروی هوایی به فرماندهی ۵ نفر از ژنرال‌ها دست به کودتا زدند. این کودتا تنها چند ساعت پس از خروج منگیستو هایل هاریام، رئیس جمهور کشور (که به جمهوری دمکراتیک آلمان سفر کرده بود) از آدیس آبابا، صورت گرفت. در شهر اسمره پایتخت اریتره، واحدهای نظامی مستقر در این شهر به کودتاچیان پیوسته و شهر را به اشغال خود درآوردند. در شهر اسمره فرستنده رادیویی به اشغال آنها درآمده آنها در فراخوان‌های متعدد از واحدهای نظامی دیگر می‌خواستند به آنها بپیوندند.

هایله هاریام پس از اطلاع از کودتا، بلافاصله از آلمان دمکراتیک به کشور بازگشت. کودتا در آدیس آبابا طی مدت کوتاهی به شکست انجامید. خبرگزاری‌های غربی گزارش دادند که اسمره مدت بیشتری در اشغال کودتاگران بوده است. جبهه رهایی بخش اریتره (EFLP) که ۲۶ سال است برای جدایی اریتره از اتیوپی می‌جنگد، آتش‌بس کامل اعلام کرد. در بیانیه‌ای که از رادیوی این جبهه پخش شد، گفته شد هدف از آتش‌بس دادن امکان به واحدهای نظامی اتیوپی جهت پیوستن به کودتا است.

برابر آخرین اخبار، شهر اسمره مجدداً در اختیار واحدهای دولتی وفادار قرار گرفته است و کودتا سرکوب شده است. پنج ژنرال که رهبری کودتا را برعهده داشتند یا کشته و یا دستگیر

برای جنگ افروزان هرصه، هر چه بیشتر تنگ می‌شود. این امر از زمان تسلط بینش نوین سیاسی در سیاست خارجی جهان سوسیالیسم تسریع شده است. حال نوبت پیمان ناتو است. باید به انتظار درگیری‌های حاد در اجلاس پیمان ناتو که در آخر ماه مه تشکیل می‌شود، بود.

پیمان ورشو را مبنی بر کاهش نیرو در آن هرصه و در آن سو که بیشتر است به سطح طرف مقابل، نادیده گرفته است.

پیمان ناتو که تاکنون لباس گوسفند بر تن کرده بود، اکنون در ادامه بازی این نقش دچار دشواری‌های بیشتری خواهد بود. اکنون ماهیت گریگ منشانه محافل پیمان ناتو بیشتر آشکار می‌شود.

آمریکا را به پای میز مذاکره نخواهند آورد. او در بروکسل با تامل خاصی در برابر روزنامه‌نگاران ابتکار اتحاد شوروی را قابل استقبال خواند. به نظر او این ابتکار "حساب شده" و "ظاهراً برای جلب افکار عمومی" است. مانفرد ورنر دبیر کل ناتو نیز گفت او نیز راه حل صفر پیرامون موشک‌های برد کوتاه و حتی کاهش تعداد آنها در طولانی مدت را نیز از اساس رد می‌کند.

از سوی دیگر پیشنهاد های اتحاد شوروی در تمام پایتخت‌های اروپای غربی با استقبال روبرو شد. سیاستمداران اروپای غربی با برخورد های متفاوت از این ابتکار اتحاد شوروی حمایت به عمل آوردند.

ابتکار اتحاد شوروی به عنوان گامی دیگر برای برچیدن موانع بر سر راه روند خلع سلاح قابل ارزیابی است. مدت زمان زیادی است که محافل طرفدار استقرار موشک‌ها و دشمنان راه حل صفر از کنار ابتکارها و اقدامات یک جانبه اتحاد شوروی می‌گذرند و در تلاش مدرنیزه کردن موشک‌ها هستند. هم‌زمان با این اقدام اتحاد شوروی سناتور رابرت کیمیت مدیر بخش سیاسی وزارت امور خارجه آمریکا خواستار صد میلیون دلار دیگر برای تولید موشک‌های جدید شد.

یک بعد مهم در پیشنهاد های جدید خلع سلاح اتحاد شوروی این است که این پیشنهادها عدم توازن موجود در زمینه سلاح‌های مختلف در هر دو طرف را از میان برداشته، راه را برای پیش‌برد سریع تر مذاکرات خلع سلاح هموار می‌کند. البته باید در انتظار این بود که محافل در غرب از نوع برخی سیاستمداران آمریکایی و هم‌فکران آنها در ائتلاف دمکرات مسیحی - سوسیال مسیحی در آلمان فدرال و سایرین در انگلیس و فرانسه اهمیت ابتکارهای اتحاد شوروی را ناچیز جلوه داده، اکنون در اینجا و آنجا به دنبال عدم توازن‌های جدید بگردند و آنها را علم کنند. پیمان ناتو در هرصه توازن نیرو تاکنون این پیشنهاد

میخائیل گارباچف رهبر شوروی هفته گذشته با پیشنهاد جدید برای خلع سلاح، جهان را متوجه خود ساخت. محتوای این پیشنهادها به این شرح است: پیشنهاد می‌شود تا سال ۹۷ - ۱۹۹۶ کاهش رادیکال در سلاح‌ها و نیروهای نظامی پیمان ورشو و پیمان ناتو صورت گیرد. بر این اساس:

۱- تا این سال باید هر دو پیمان نظامی از نظر میزان سلاح‌ها و نیروی نظامی به آن میزانی برسند که موضوع مذاکرات صلح وین هستند: در هر طرف ۱۳۵۰۰۰۰ نفر سرباز، ۱۵۰۰ واحد هواپیمای جنگی تاکتیکی، ۱۷۰۰ ملی کوپتر جنگی، ۴۰ هزار تانک، ۲۴ هزار خمپاره و ۲۸ هزار خودروی زرهی باید باقی بماند.

۲- هر یک از دو پیمان نظامی باید نیم میلیون نفر از تعداد سربازان خود بکاهد. پیمان ناتو باید حدود ۲۵۰۰ واحد از هواپیماها و ملی کوپترهای خود کاهش دهد. پیمان ورشو باید ۴۰ هزار تانک، ۴۶ هزار خمپاره و ۴۲ هزار واحد خودروی زرهی را از میزان تسلیحات خود بکاهد.

۳- اتحاد شوروی تصمیم گرفته است به طول ۵۰۰ کیلومتر موشک‌های هسته‌ای تاکتیکی را از خاک کشورهای هم‌پیمان خود به خاک اتحاد شوروی عقب بکشد. شرط این عمل آن است که آمریکا نیز چنین اقدامی به عمل آورد.

به گزارش روزنامه پروادا میخائیل گارباچف یادآور آن شد که درست دو سال پیش به وزیر امور خارجه آمریکا، جورج شولتز قول داده شد که موشک‌های اس-اس ۲۳ با برد ۵۰۰ کیلومتر نیز جزو موارد مورد قرارداد به حساب آورده شوند، با وجودی که آنها مورد مذاکره نیستند. گارباچف گفت این قول به شرطی داده شد که هیچ‌یک از دو طرف در آینده چنین سیستم‌هایی نه بسازد و نه مستقر سازد. اکنون آمریکا با پافشاری بر استقرار موشک‌های مدرن تر در اروپای غربی علیه این اقدام عمل می‌کند.

جیمز بیکر وزیر امور خارجه آمریکا پیرامون پیشنهاد های اتحاد شوروی گفت این پیشنهادها

آغاز فراخواندن سربازان ارتش سرخ از آلمان دمکراتیک

اولین واحد تانک ارتش سرخ خاک جمهوری دمکراتیک آلمان را به سوی اتحاد شوروی ترک کرد. این امر پس از سخنرانی میخائیل گارباچف در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و اعلام فراخواندن یک جانبه واحدهای زرهی از خاک آلمان دمکراتیک صورت می گیرد. در چارچوب این اقدام لشکر سی و دوم و بیست و پنجم تانک، دو واحد زرهی و تعدادی از گروهان های مختلف زرهی از خاک آلمان دمکراتیک فراخوانده می شوند.

انتخابات ریاست جمهوری در آرژانتین

روز یکشنبه ۱۴ ماه مه در آرژانتین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. در این انتخابات که نتیجه آن روز سه شنبه اعلام گردید، کارلوس منم کاندیدای پرونیست پیروز شد. اکنون در مجلس نمایندگان و مجلس سنا بیش از ۵۰ درصد کرسی ها به پرونیست ها تعلق دارد. در ۱۷ ایالت از ۲۲ ایالت کشور پرونیست ها فرماندار را تعیین کرده اند.

پایان اعتصاب غذای زندانیان RAF

سازمان آزادیبخش فلسطین (ساف) طرح صلح دولت اسرائیل برای مناطق اشغالی را رد کرد. دولت شامیر روز یکشنبه ۱۴ ماه مه این طرح را با ۲۵ رای موافق و ۶ رای مخالف به تصویب رساند. بر اساس این طرح دولت اسرائیل رسماً اعلام می دارد که از تشکیل دولت فلسطینی در نوار فزه و مناطق میان رود اردن و دریای مدیترانه، جلوگیری کرده و هرگز با ساف مذاکره نخواهد کرد.

این طرح انتخابات در مناطق اشغالی را می پذیرد و در همین حال حق برقراری و حفظ امنیت و نظم، مسائل مالی و اقتصادی و سیاست خارجی را تنها در انحصار دولت اسرائیل قرار میدهد. به بیان دیگر این سرزمین ها همچنان در اشغال اسرائیل باقی می ماند. در همین حال این

درگیری های سخت در خوست

نبرد میان نیروهای ارتش افغانستان و ضد انقلاب در منطقه خوست واقع در شرق افغانستان شدت یافته است. در این نبردها واحدهای مرزی پاکستان و مزدوران عربستان سعودی، در کنار مجاهدین افغانی شرکت دارند. وزارت امور خارجه افغانستان در روزهای اخیر ۵ نامه اعتراضی به نماینده سازمان ملل متحد در کابل تسلیم کرد.

حزب سوسیال دمکرات، حزب کمونیست، سندیکاهای کارگری، محافل مذهبی، سازمان های حقوق بشر و حفظ محیط زیست به طور یکپارچه از خواست های زندانیان حمایت کردند. اکنون زندانیان در آن ایالت هایی که در اختیار سوسیال دمکرات ها است، به خواست های خود دست خواهند یافت. حزب دمکرات مسیحی که تعدادی از ایالت ها و دولت فدرال را در دست دارد، هم چنان به شکلی خشن در برابر این خواست ها مقاومت میکند.

اعتصاب غذای زندانیان "فراکسیون ارتش سرخ" (RAF) در زندان های آلمان فدرال پس از چهارده هفته پایان یافت. این زندانیان همان طور که در شماره های قبل "اکتبر" گزارش دادیم، خواستار انتقال خود از سلول انفرادی به بند جمعی بودند. این اعتصاب فدا که دهمین اعتصاب غذای زندانیان این گروه از سال ۱۹۷۳ به شمار می رود، برای اولین بار حمایت وسیعی میان محافل مختلف اجتماعی کسب کرد. این بار به هر طرفداران معدود این گروه،

مانور دولت اسرائیل علیه برقراری صلح عادلانه

طرح پیرامون شرکت یا عدم شرکت فلسطینی های ساکن بخش شرقی اورشلیم در این انتخابات سکوت اختیار می کند. اسحاق رابین پیرامون این طرح گفت: این طرح موافقت دولت آمریکا را جلب خواهد کرد و چنان چه فلسطینی ها با آن مخالفت کنند، دولت اسرائیل مجبور به تشدید سرکوب خواهد بود.

خدش، جبهه دمکراتیکی که حزب کمونیست اسرائیل نیز در چارچوب آن فعالیت می کند، اعلام کرد طرح اعلام شده از سوی دولت راه به سوی صلح نیست، بلکه تنها مانوری برای خوابانیدن تلاش های بین المللی برای برقراری صلح در سرزمین های اشغالی است. خدش در بیانیه ای شدیداً به اسحاق رابین، پیرامون تهدیدهای او مبنی بر تشدید سرکوب اعتراض کرد.

نگرانی از افزایش قیمت ها در اتحاد شوروی

"ترود" (کار) ارگان سندیکای کارگران اتحاد شوروی پیرامون افزایش بی رویه قیمت ها در اتحاد شوروی اظهار نگرانی کرد. این روزنامه بیان داشت که این امر باعث ایجاد ناآرامی در مردم خواهد شد. در شماره روز ۱۱ ماه مه این روزنامه، نامه یکی از نمایندگان پارلمان به نام دونچنکو چاپ شده است که به این امر می پردازد. دونچنکو می نویسد که طی دو سال اخیر قیمت ها تا حدود ۴۳ درصد افزایش یافته اند. طبق ارزیابی او کار "کمیتت تعیین قیمت ها" ثمر بخش نیست و بی برنامه است. او می پرسد: بالاخره کی در فرسنگ ها در کنار اجناس گران قیمت، اجناس ارزان قیمت نیز عرضه خواهند گردید؟

درخواست برای افزایش نیروهای حافظ صلح در نامیبیا

رابرت موگابه، رئیس جمهور زیمبابوه و رئیس جنبش فیرمعهدها در کنفرانس وزیران امور خارجه این سازمان گفت: آفریقای جنوبی در حال حاضر با تمام نیرو و امکانات تلاش می کند مانع از انتخابات آزاد در نامیبیا شود. برای ایجاد شرایط مناسب برای انتخابات و اتمام عادلانه باید نیروهای حافظ صلح سازمان ملل متحد افزایش یابند. نژادپرستی در نامیبیا باید برچیده شود.

سالگرد قیام کوانگ چو

روز چهارشنبه ۱۷ ماه مه، ده هزار نفر از مردم شهر کوانگ چو بدون توجه به بسیج گسترده پلیس، برای گرامیداشت سالگرد قیام کوانگ چو به راه پیمایی پرداختند. در قیام کوانگ چو در ماه مه سال ۱۹۸۰، ۲۰۰۰ نفر توسط پلیس و ارتش به قتل رسیدند. "چون توهوان" دستور سرکوب خونین قیام کوانگ چو را داده بود.



تظاهرات در حمایت از خواسته های زندانیان "فراکسیون ارتش سرخ"

ادامه سیاست نظامی گرائی دولت آمریکا

موشک‌ها به کلامهای هسته‌ای مجهز هستند. تاکنون مذاکرات پیرامون موشک‌های برد متوسط و بالستیک پیش رفته است که موشک‌هایی با برد چند هزار کیلومتر هستند و می‌توانند تا اسحاق خاک طرف مقابل پرواز کنند. اکنون نگرانی اروپایی‌ها بر سر این است که در صورت بکارگیری موشک‌های برد کوتاه کشور خود را ویران خواهند ساخت. دولت آمریکا بدون هیچ‌گونه شرمی از ویران‌سازی هسته‌ای اروپای مرکزی سخن می‌گوید. بوش از کنگره آمریکا درخواست کرده است، ۱۰۰ میلیون دلار برای نوسازی موشک‌های لانس در اختیار او قرار دهد. این امر این نگرانی را در اروپا به وجود آورده است که دولت آمریکا نیتها حاضر به بقیه در صفحه ۷

اختلاف نظر شدید میان کشورهای عضو ناتو و آمریکا در باره نوسازی موشک‌های برد کوتاه مستقر در اروپا - عمدتاً در آلمان فدرال - هر چه بیشتر بالا می‌گیرد. دولت آمریکا همچنان بر تصمیم خویش مبنی بر جایگزینی موشک‌های لانس Lancet با سیستم‌های مدرن‌تر ایستاده است. دولت انگلیس از این تصمیم حمایت می‌کند. در این میان دولت آلمان فدرال و در کنار آن بلژیک و هلند مخالفت خود را با این تصمیم اعلام داشته‌اند. آلمان فدرال خواهان آن است که به جای جایگزینی موشک‌ها، با اتحاد شوروی و پیمان ورشو پیرامون برچیدن این موشک‌ها مذاکره شود. موشک‌های لانس بسته به سکوهای پرتاب بردی میان ۱۵۰ تا ۴۸۰ کیلومتر دارند. این

اعلام وضع فوق العاده در یمن

در صفحه ۸

جنگ تبلیغاتی

جمهوری اسلامی و عربستان سعودی

سهمیه زائرین محل خواهد کرد. بدنبال این اصرار و انکارها از سوی طرفین بار دیگر جنگ تبلیغاتی طرفین آغاز گردیده و مقامات و روزنامه‌های طرفین به اقامه دعاوی علیه یکدیگر پرداخته‌اند. در گردهمایی هفته گذشته وزرای خارجه و نمایندگان ۴۱ کشور اسلامی تحت عنوان بررسی راه‌های مبارزه با خطراتی که اسلام را تهدید می‌کند، کنفرانس بار دیگر محدودیت اعزام زائرین به میزان سهمیه اعلام شده توسط کنفرانس سال گذشته این کشورها را مورد تاکید قرار داد و سهمیه ۴۵ تا ۵۰ هزار نفری برای جمهوری اسلامی را تایید کرد. در این کنفرانس حکومت اسلامی به عنوان اعتراض شرکت نکرد و اعلام داشت که حق عربستان در اداره اماکن مقدسه را برسمیت نمی‌شناسد و می‌بایست یک هیئت بین‌المللی اسلامی مسئولیت اداره این اماکن را عهده‌دار شود زیرا سران عربستان بی‌لیاقتی خود را در اداره آنها به اثبات رسانده‌اند. کنفرانس در این مورد نیز از عربستان سعودی جانبداری کرد. وزیر حج و اوقاف عربستان سعودی گفت: ایران با عدم اعزام نماینده به گردهمایی جده هملاً با اعزام زائران ایران به مناسک حج امسال مخالفت کرده است. به این ترتیب تضییع کشتار بیش از ۴۰۰ نفر انسان که بابرپایی بلوا و ایجاد درگیری توسط حزب الهی‌های اهرامی جمهوری اسلامی تحت عنوان زائر و سرکوب خشن پلیس امنیتی دولت عربستان سعودی در دو سال پیش صورت گرفته بود، اینبار با برپایی فائله تبلیغاتی توسط سران حکومت اسلامی و دولت عربستان سعودی دنبال می‌شود.

با نزدیک شدن اجرای مناسک حج سران حکومت اسلامی بر چارو جنجال‌های تبلیغاتی و دعاوی خود علیه سران حکومت عربستان سعودی افزوده‌اند. در پی نشست سال گذشته وزرای خارجه کشورهای اسلامی جهت تعیین سهمیه زائرین هر کشور که مقرر شد در ازا، هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت کشورهای اسلامی یک نفر می‌تواند به عنوان زائر به مکه اعزام گردد، دولت عربستان سعودی اعلام کرد که از این پس ایران حق دارد بر مبنای سهمیه تعیین شده توسط این کنفرانس تعداد ۴۰ هزار زائر برای مناسک حج به مکه و مدینه اعزام دارد. همچنین دولت عربستان اعلام کرد که از این پس به زائران ایرانی اجازه راهپیمایی و تظاهرات را نخواهد داد. دو سال پیش درگیری‌های مکه منجر به کشته شدن بیش از ۴۰۰ نفر گردید و جمهوری اسلامی در برپایی و ایجاد آن نقش اساسی را داشت، حکومت اسلامی که بعد از درگیری دو سال پیش در مراسم حج مناسباتش با دولت عربستان سعودی به شدت تیره شده بود از اعزام زائرین خود در سال گذشته به مکه خودداری ورزید. بعد از وساطت مقامات بعضی از کشورها مابین حکومت اسلامی و مقامات دولتی عربستان سعودی قرار بر این گردید که زائرین ایرانی به مراسم حج امسال شوند. در این مورد سهمیه پیشنهادی جمهوری اسلامی برای اعزام زائرین ۱۵۰ هزار نفر بوده است ولی دولت عربستان سعودی تاکنون از پذیرش پیشنهاد جمهوری اسلامی سرباز زده و اعلام کرده که بر پایه توافقنامه سال گذشته کنفرانس کشورهای اسلامی در مورد میزان

برای اشتراك نشریات «کار» و «اکثریت» در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده

و همراه با معادل بهای اشتراك، تمبر پستی و یازسید بانکی برداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> شش ماهه
مارك ۱۳	مارك ۱۱	نشریه «کار»	<input type="checkbox"/> يك ساله
۴۴	۲۱		

دیگر نقاط	اروپا	بهای اشتراك	<input type="checkbox"/> سه ماهه
مارك ۳۰	مارك ۲۷	نشریه «اکثریت»	<input type="checkbox"/> شش ماهه
۵۸	۵۲		<input type="checkbox"/> يك ساله
۱۱۵	۱۰۲		

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 258
MONDAY, 22 MAY 89

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
IBANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFTI
NR. 02910701.650
DR. GERTRAUD ARTNER

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

با جمع آوری کمک‌هایی
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید